

نوبنیاد

روزنامه سراسری
صبح ایران

۳

حمله به خمینی جوان؛ صلح با آمریکا خیانت است

حجت الاسلام سید علی خمینی در مراسم بزرگداشت رهبر شهید انقلاب در حرم حضرت معصومه (س)، بر ضرورت انتقام از عاملان شهادت، تفکیک میان «مذاکره» و «صلح با آمریکا» و نقش تعیین کننده مردم در عبور کشور از جنگ اخیر تأکید کرد. وی تصریح کرد که مذاکره، در صورت وقوع، نباید به معنای عقب نشینی از مواضع جمهوری اسلامی تلقی شود. این سخنان بازتاب گسترده ای در فضای سیاسی و رسانه ای داشت و با استقبال گسترده نیروهای انقلابی همراه شد، اما همان گونه که انتظار می رفت، به مذاق برخی چهره های اصلاح طلب و غربگرا نیز خوش نیامد.



فرمان خونخواهی

رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی به مناسبت تشییع و تدفین آقای شهید ایران، فرمان انتقام و خونخواهی از قاتلان رهبر شهید انقلاب و همه شهیدان این دو جنگ را صادر کرده و تأکید کردند که فهرستی از صدر تا ذیل جنایتکاران موجود است.

صفحه ۱۱

سیاست خارجی



صفحه ۴

اقتصادی



صفحه ۳

سیاسی



ترامپ رسماً پایان تفاهم را اعلام کرد اما مذاکره کنندگان ایرانی همچنان در توهّم عملیاتی بودن آن گرفتارند

خنجر ترامپ بر پشت تفاهم

پیمان پاک به ادعاهای پاسخ داد:

دروغ واردات غلات آمریکایی در دولت شهید رئیسی

سعید جلیلی:

بازدارندگی از مسیر اقتدار می گذرد نه مذاکره

رهبر معظم انقلاب در پیامی به مناسبت تشییع و تدفین آقای شهید ایران بر انتقام از جنایتکاران به عنوان خواست ملت ایران تاکید کردند

فرمان خونخواهی

رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی به مناسبت تشییع و تدفین آقای شهید ایران تاکید کردند: عهد می‌بندیم که انتقام خون پاک شما و همه شهیدان این دو جنگ را از قاتلین جنایتکار و بی‌آبرو بگیریم. این انتقام،

خواست ملت ما است و به‌طور حتمی باید صورت بگیرد. این جنایتکاران که فهرستی از صدر تا ذیل شان موجود است، آرزوی مرگی آرام و در بستر را با خود به گور خواهند برد.



این سرزمین هستند، اینک میزبان شما آیند و جوار امتشان خانه‌ی شما شده است. و شما ای سرور عالی مقام! ای بزرگوار! ای امام رؤف! یا اباالحسن الرضا المرتضی که برترین صلوات خدا بر شما باد، اکنون جسم پاره پاره‌ی خادمی از خادمین حضرتتان و عترت طاهره، پس از سالها جدّ و جهد و مجاهدت بی‌وقفه به همراه ابدان شهدایی از خانواده‌اش که هریک یادآور شهیدی از شهیدان دشت کربلا است، در این خاک پاک می‌آرمند تا آن روزی که به امر الهی، خورشید عالم‌تاب، حضرت بقیه المجمل العالی فرجه الشریف، از پس ابرهای غیبت بیرون آید و بر مردمان کهری خاکی، نور رحمت الهی را بتاباند که در آن روز که امید داریم خیلی زود برسد، ستارگانی از میان صدیقین و شهدا و اولیاء، آن حضرت را همراهی خواهند کرد و امید داریم که آقای شهیدمان یکی از آنان باشد و بار دیگر صحنه‌هایی درخشان و ناب از مجاهدت و وفای به عهد آlost را به نمایش بگذارد و شاید این همراهان در آن روز هم او را همراهی کنند.

ای مولای رؤف! آقایمان که همه چیزش را در راه شما صرف کرد و همراهان شهیدش را به شما و لطف و عنایت جنابتان می‌سپاریم تا همچنان که در حیات دنیوی خود از لطف شما بهره‌مند بودند، از این پس هم همانطور و بلکه بسیار بالاتر و بیشتر از آن برخوردار باشند. در آخر، بار دیگر به سرورمان حضرت بقیه عجل العالی فرجه الشریف تسلیم عرض میکنیم و از آن بزرگوار مهربان درخواست میکنیم که ادعیه‌ی زاکیه‌ی خود را متوجه آقای شهید ایران و همراهان شهیدش و همه شهدا بفرمایند و از حضرت حق جلّ و علا برای همه‌ی شهیدان علو درجات و برای بازماندگان ایشان صبر و اجر و برای ملت مظلوم ایران فتح و نصرت قطعی و قریب الوقوع طلب نمایند، ان شاء الله

سید مجتبی حسینی خامنه‌ای

۱۸/ تیر/ ۱۴۰۵

گروه سیاسی
نوبنیاد

رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله‌سید مجتبی حسینی خامنه‌ای به مناسبت تشییع و تدفین آقای شهید ایران پیامی صادر کردند. متن کامل پیام به شرح ذیل است:

بسم الله الرحمن الرحيم

السَّلامُ علیک یا ثارِ الوُابِ ابنِ ثاره و الوتر الموتر. السَّلامُ علیک و علی جدّک و أبیک و أمّک و أخیک و المعصومین من وُلُوک. سلام برامامی که ندای حیات بخش قیامش، پژواکی عظیم و پرتنین از بعثت نبوی را تا اعماق دوردست تاریخ امتداد بخشید و از اثر آن انقلاب اسلامی ایران پدید آمد. انقلابی که از اساس حسینی بود و با شعار و مرام حسین ساخته شد و بالید. آقای شهید ایران هم با همین مرام رشد کرد. او حسینی بود، حسینی اندیشید، حسینی حرکت کرد، حسینی جهاد و مقاومت نمود، حسینی زیست، و حسینی خون خود را در راه مکتب حسین تقدیم کرد و به شهادت رسید. در زمهری حسینیان، کسانی هستند که وقتی در راه حسین و برای مکتب و مرام حسین علیه السلام، خونشان مظلومانه بر زمین میریزد، اُمت اسلام به حرکت در می‌آید و آن زمان، به عاشورا و آن مکان، به کربلا متّصل میشود. حال هم همان شور حسینی، ملت ما را بعثت بخشیده و مکتب خمینی کیبر و خامنه‌ای شهید را جلوه‌ای تازه داده است. این است آن غوغای حیات بخشی که انعکاس ندای مظلومیت حسین علیه السلام و ندای هَل مِن ناصِرٍ یَنصُرُنِی اودر ایران و پس از آن در عراق و سایر کشورها پیاپی کند و زلزله در باطل می‌اندازد. و جا دارد به همین مناسبت از حضور ده‌ها میلیونی، اعجاب برانگیز، دشمن شکن و تاریخی مردم در شهرها و روستاهای ایران و عراق خصوصاً تهران، قم، نجف، کربلا، و مشهد صمیمانه قدردانی کنم.

ملت ما خونخواه حسین است. این ملت بزرگ سالها فرزندان خود را در راه حسین و در جنگ با دشمنان حسین و مرام حسینی فدا کرد. و اینک هم خونخواه او و حسینیان زمان است. انتقام خواست ملت ما است و به‌طور حتمی باید صورت بگیرد اکنون به پیشوای شهیدمان عرض میکنم: ای قتیل مظلوم! ای مظلوم سرافراز! ای بنده‌ی صالح خدا! حال که با چشمان اشکبار و دل‌های شکسته با پیکر شما وداع میکنیم، با شما عهد می‌بندیم که مکتب شما را پاس بداریم و آن طریق مستقیمی که شما ترسیم کردید را با استقامت بپیماییم و در این راه از سختیها نهراسیم، و همچون شما به پشارات و وعده‌های الهی دل ببندیم. عهد می‌بندیم که انتقام خون پاک شما و همه‌ی شهیدان این دو جنگ را از قاتلین جنایتکار و بی‌آبرو بگیریم. این انتقام، خواست ملت ما است و به‌طور حتمی باید صورت بگیرد. این جنایتکاران که فهرستی از صدر تا ذیل شان موجود است، آرزوی مرگی آرام و در بستر را با خود به گور خواهند برد. آنها باید بدانند که این امر، متوقّف بر وجود شخص من یا سایر مسئولان نیست. ما باشیم یا نباشیم، این مطلب محقّق خواهد شد و بزودی آحادی از آزادگان در سراسر دنیا هریک بخشی از این مأموریت الهی را انجام خواهند داد.

ای پدر شهید اُمت، نوشیدن شهد شهادت که عمری در آرزوی آن بودید، گوارا یاتان باد. پوشیدن خلعت شهادت با بدنی که نشان‌ها از مادر تان زهرای اطهر و جدّتان ابا عبدالحسین و ابا الفضل العباس علیهم الصلاة و السلام دارد، مبارکتان باشد. و شما ای همراهان مظلوم او که غافلگیرانه مورد هجوم دشمن قرار گرفتید و به شهادت رسیدید، خوشا به حالتان که اینک میهمان آن مولائی هستید که شاید بارها رَأفت و لطفشان را درک کرده بودید. آن آقائی که باب رحمت الهی برای همه و بخصوص مردمان

خبر کوتاه

آئین بزرگداشت «آقای شهید ایران» برگزار می‌شود

با دعوت شورای نهادهای حوزوی استان تهران و با هدف گرامیداشت آقای شهید امت حضرت آیت‌الله‌شهید سید علی حسینی خامنه‌ای، علما، روحانیون و ائمه جماعات استان تهران، در مصلاّی تهران گردهم می‌آیند و «آئین بزرگداشت امام مجاهد شهید» را برای عهد و خونخواهی قائد امت، برگزار خواهند کرد. این مراسم روز یکشنبه ۲۱ تیرماه از ساعت ۹ الی ۱۱ صبح در شبستان مصلاّی امام خمینی (ره) تهران برگزار می‌شود. پیکر مطهر رهبر شهید انقلاب و خانواده شهید ایشان، پنجشنبه هفته گذشته پس از آیین تشییع و اقامه نماز، در رواق دارالذکر و در نزدیکی روضه منوره رضوی آرام گرفت. همچنین مجلس ختم شهید امت روز جمعه ۱۹ تیرماه، بعد از نماز مغرب و عشاء، در حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله‌علیها، در شبستان امام خمینی رحمه‌الله‌علیه، با سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین سید علی خمینی برگزار شد.

توان دفاعی کشور پس از جنگ ارتقا یافته است

سرپرست وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح گفت: به دلیل تمهیدات پیش‌بینی شده و طراحی مناسب صنایع دفاعی، در هیچ روزی تولید موشک و پهپاد متوقف نشد و حتی ظرفیت تولید افزایش یافت؛ به‌گونه‌ای که ظرفیت تولید پهپاد در حین جنگ سه برابر قبل شد. ما نقاط ضعف دشمن را به خوبی می‌شناسیم و به توانمندی‌های خود واقف هستیم. سردار ابن‌رضا در جلسه با اعضای کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، جنگ اخیر را فرصتی برای شتاب بخشی به توسعه فناوری‌های دفاعی دانست و گفت: این نبرد بار دیگر ثابت کرد هر جا بر فناوری‌های نوین و دانش بنیان سرمایه‌گذاری کرده‌ایم، موفق بوده‌ایم؛ از این رو تقویت بودجه دفاعی، توسعه فناوری‌های پیشرفته، بهره‌گیری از ظرفیت نخبگان داخل و خارج از کشور و ایجاد سازوکارهای چابک برای اکتساب فناوری باید با جدیت دنبال شود.

وی با اشاره به عملکرد صنایع دفاعی در دوران جنگ تصریح کرد: به دلیل تمهیدات پیش‌بینی شده و طراحی مناسب صنایع دفاعی، در هیچ روزی تولید موشک و پهپاد متوقف نشد و حتی ظرفیت تولید افزایش یافت؛ به‌گونه‌ای که ظرفیت تولید پهپاد در حین جنگ سه برابر قبل شد.

شهادت ۲ بسیجی حافظ امنیت در مشهد

سپاه امام رضا (ع) خراسان رضوی روز شنبه ۲۰ تیر ۱۴۰۵ در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: دو تن از فرزندان غیور و بسیجی مشهدالرضا (ع) به نام‌های سید سجاد علوی و مهدی هنرمند که در حوالی میدان سرافرازان مشهد با فاصله حدود ۱۵ کیلومتری از حرم مطهر برای ایجاد آرامش و تأمین امنیت در حال گشت زنی بودند مورد هدف قرار گرفته و به درجه رفیع شهادت نائل آمدند. در ادامه این اطلاعیه آمده است: همچنین در این حادثه یک عابر پیاده توسط عوامل مهاجم به نیم‌جاده بسیج مجروح و به بیمارستان منتقل شد. سپاه امام رضا (ع) تاکید کرد: بی‌تردید عامل و یا عوامل این جنایت به سزای عمل خود خواهند رسید و مطابق قانون با آنها برخورد خواهد شد اطلاعات تکمیلی این حادثه در دست بررسی است که متعاقباً به اطلاع عموم مردم خواهد رسید.

انتخابات کمیسیون‌های مجلس ۲۲ تیرماه برگزار می‌شود

عباس گودرزی سخنگوی هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی اعلام کرد انتخابات هیات رئیسه کمیسیون‌های تخصصی مجلس از تاریخ ۲۲ تیرماه آغاز می‌شود. وی افزود: براساس تصمیم امروز هیات رئیسه، انتخابات کمیسیون‌ها به صورت الکترونیکی برگزار خواهد شد. ضمناً برابر تصمیم هیات رئیسه و به منظور ایجاد ظرفیت برای قانونگذاری در جلسات مجازی، مقرر گردید در اولین جلسه صحن که تشکیل خواهد شد، برخی از بند‌های آئین نامه داخلی مجلس اصلاح گردد.

یادداشت

تا وقتی این ملت ایمان دارد، کی تسلیم و تحمیل امکان دارد؟!

سید امیرحسین قاضی زاده هاشمی
معاون رئیس جمهور در دولت سیزدهم

هتاک‌های اخیر ترامپ و اعلام پایان تفاهم، ریشه در چه عواملی دارد؟ برای پاسخ به این پرسش، می‌توان تحلیل‌های گوناگونی از زوایای مختلف ارائه داد.

پیش‌تر، دشمن گمان می‌کرد که با حذف فرماندهان قدرتمند منطقه‌ای، می‌تواند برای صهیونیست‌ها امنیت بخرد؛ از همین رو، نابغه دوران، شهید حاج قاسم سلیمانی، را به شهادت رساند. اما طوفان الاقصی نشان داد که محور مقاومت به جریانی بالغ و پخته تبدیل شده است. از این رو، دشمن جمع‌بندی کرد که با به کارگیری تمام هیمنه استکبار، ماشین ترور و دیپلماسی فریبکارانه، وارد جنگی وجودی شود. شهادت سید مقاومت، شهید سنوار، شهید رئیسی و دیگران را نیز می‌توان در همین چارچوب ارزیابی کرد. با این حال، ایران مقتدر و ساختاریافته، مانع از فروپاشی محور مقاومت شد.

جمع‌بندی بعدی دشمن، ضربه به نهادهای قدرت نظامی و امنیتی در ایران بود، به گونه‌ای که امام مسلمین، ابزار اعمال قدرت را در اختیار نداشته باشد. جنگ ۱۲ روزه و ترور گسترده مقامات نظامی و امنیتی، با همین هدف شکل گرفت. اما وجود امام شهید، مانع از تحقق خواسته‌های آنان شد. این امر، دشمن را به بروز رسانی دوباره ارزیابی‌هایش واداشت.

از یک سو، برخی مقامات نظامی ما اعلام می‌کردند که «هنگ کرده بودیم» و خود آقا شخصاً در اتاق جنگ حضور دارند و حتی تعداد موشک‌ها، نوع آن‌ها و محل برخورد را روزانه تعیین می‌کنند. از سوی دیگر، مقامات سیاسی تأکید داشتند که تمامی امور با هدایت و هماهنگی رهبری تمشیت می‌شود. ظاهراً این امر برای نشان دادن تسلط ایشان بر همه امور، یا نقش پررنگ ایشان در تصمیم‌گیری‌ها بود اما بدین ترتیب، به دشمن فهمانده شد که در ایران تنها یک نفر تصمیم‌گیرنده، مقاوم و اقدام‌کننده است و جمعی از مردم که هوادار اویند، پشتیبان او هستند. همچنین این بیان توسط مقامات ما که: «پس از شهادت ایشان، بسرعت جایگزین خواهند شد»، تصور بی‌هزینه بودن بشهادت‌رساندن ایشان را برای دشمن ایجاد نمود. برای تکمیل پروژه فروپاشی، ابتدا باید مردم را کاملاً از امام جدی‌اش کردند، یا فضایی چنان طوفانی ایجاد می‌شد که در غبار سنگین آن، مردم منفعل گردند و نسبت به حاکمیت بی‌تفاوت و تماشاگر شوند. کودتای دی‌ماه با همین هدف شکل گرفت و پس از آن، زمان ضربه نهایی فرا رسیده بود.

اماد در جنگ رمضان، آنان واقعاً گمان می‌کردند که ظرف سه روز کار را تمام کرده‌اند؛ زیرا همه مقدمات را گام به گام آماده ساخته و تمامی عناصر داخلی و خارجی را به خط کرده بودند. با این حال، ضربه اول - شهادت امام شهید و جمع بسیاری از مسئولان نظامی و امنیتی - و نیز اقدامات محلی، کار را تمام نکرد. گام دوم، کشاندن نهادهای سیاسی کشور به پای میز مذاکره (با پذیرش اولیه تمامی شروط) و سپس سرد کردن آتش، گرفتن ابزار قدرت و انعقاد تفاهم‌نامه‌ای با امکان تقسیر و اقدام گزینشی بود. به‌ظن آنان، خواسته‌شان از این راه تأمین شده است. این گفته ترامپ که «ما واقعاً رژیم در ایران را تغییر داده‌ایم و افراد منطقی بر آن حاکم شده‌اند.» در همین راستا بود.

اما ناگاهان، امام شهید ما، این ابرمرد دوران، در تشییع پیکر پاکش، از حلقوم محمد رسولی فریاد برآورد و بر انتقام و قصاص قاتلان تأکید کرد. حضور بیش از ۴۰ میلیون نفر در تشییع، تازه به آنان فهماند که از ابتدا اشتباه درک کرده‌اند. این ملت بزرگ ایران و ۵۰۰ میلیون پیرو اهل بیت در برابر آنان ایستاده‌اند.

آنچه ندیدند، ایمان پاک مردمی بود که چنین امام و نظامی رانعمتی بزرگ می‌دانند و تا چنین ایمانی پایدار باشد، خداست که در برابر دشمنان خواهد ایستاد. این امت ماموران الهی‌اند. آنها هنوز نفهمیده‌اند که خدا اراده فرموده است آنها را نابود کند. کارتر گفته بود که همه چیز با ما بود اما خدا با خمینی بود. و این، راز عریده‌های ترامپ است.

جلیلی: بازدارندگی از مسیر اقتدار می‌گذرد نه مذاکره

خطر نشان کرد: برخی می‌گویند اولویت، معیشت مردم است؛ اتفاقاً معیشت نیز در همین فضا تأمین می‌شود. اگر امنیت وجود نداشته باشد و دشمن هر روز دست به تعرض بزند و کشور را در وضعیت «نه جنگ، نه صلح» نگه دارد، طبیعی است که اقتصاد و معیشت نیز آسیب خواهد دید. جلیلی همچنان با بیان اینکه مذاکره یک ابزار است، نه یک هدف، تصریح کرد: ممکن است در مقطعی کارآمد باشد و در مقطعی دیگر نه. نباید به ابزار موضوعیت داد؛ آنچه اهمیت دارد، نوع، چگونگی و زمان استفاده از آن است. اگر موجب تثبیت و ارتقای قدرت شود، ارزشمند است. اگر موجب تضعیف قدرت کشور شود، مضر است.

در شکل‌گیری قدرت ملت و کشور و تبیین مسائل روز کشور پرداخت. وی با اشاره به حضور گسترده مردمی گفت: ملت مبعوث شده یعنی همان شکوهی که در تشییع حضرت امام در سال ۱۳۶۸ دیده شد، امروز نیز در سال ۱۴۰۵ در تشییع حضرت آقا مشاهده می‌کنید. وی افزود: امروز اگر تشییعی در عراق برگزار شد، مشابه همان تشییع در ایران بود. اگر این تشییع در پاکستان برگزار می‌شد، کمتر از این نبود. همان‌گونه که در شهرهای مختلف ایران، از قم و مشهد گرفته تا تهران و دیگر شهرها، همین شکوه و عظمت دیده شد. وی در بخش دیگری از سخنان



روز جمعه ۱۹ تیرماه، در دکتر سعید جلیلی نماینده رهبر معظم انقلاب در شورای عالی امنیت با حضور در برنامه گفتگوی ویژه خبری شبکه خبر، به تشریح نقش امام شهید امت

سخنان سید علی خمینی در انتقاد از صلح و دوستی با آمریکا، عصبانیت جریان غربگرا را به دنبال داشت

صلح با آمریکا خیانت است

حجت الاسلام سیدعلی خمینی در مراسم بزرگداشت رهبر شهید در حرم حضرت معصومه (س)، بر ضرورت انتقام از عاملان شهادت، تفکیک میان «مذاکره» و «صلح با آمریکا» و نقش تعیین‌کننده مردم در عبور کشور از جنگ اخیر تأکید کرد. وی مذاکره با هدف سازش و صلح با آمریکا را مغایر با اصول انقلاب و اساساً مردود دانست و تصریح کرد که مذاکره، در صورت وقوع، نباید به معنای عقب‌نشینی از مواضع جمهوری اسلامی تلقی شود. این سخنان با زتاب گسترده‌ای در فضای سیاسی و رسانه‌ای داشت و با استقبال گسترده نیروهای انقلابی همراه شد، اما همان‌گونه که انتظار می‌رفت، به مذاق برخی چهره‌های اصلاح‌طلب و غربگرا نیز خوش نیامد.

سعید قاسمی

روزنامه نگار

امنیت و انسجام کشور را حفظ کردند و اجازه ندادند پروژه بی‌ثبات‌سازی به نتیجه برسد. از این منظر، سخنان او علاوه بر محورهای انتقام و مذاکره، تلاشی برای بازخوانی جایگاه مردم به عنوان اصلی‌ترین پشتوانه اقتدار جمهوری اسلامی بود.

در یکی از مهم‌ترین فرازهای این سخنرانی، سیدعلی خمینی تصریح کرد: «این نمی‌شود که ما در هنگام بزنگاه‌ها و مشکلات دست به دامن مردم شویم، آنان به میدان بیایند و همه برنامه‌های دشمن را برهم بزنند، اما وقتی آب‌ها از آسیاب افتاد، همان مردم را تندرو و افراطی بنامیم.» این بخش از سخنان او را می‌توان دفاعی آشکار از نقش مردم در حفظ امنیت و اقتدار کشور دانست؛ مردمی که به اعتقاد وی، نباید پس از عبور از بحران، صرفاً به ابزاری برای بازنمایی سیاسی تقلیل داده شوند یا با برچسب‌های مختلف از متن تصمیم‌سازی کنار گذاشته شوند.

اما این سخنان، همان‌گونه که انتظار می‌رفت، با واکنش برخی عناصر اصلاح‌طلب و غربگرا نیز همراه شد. اگرچه بسیاری از چهره‌های شاخص این جریان تاکنون سکوت اختیار کرده‌اند، اما قاضی زاهد، عضو پیشین شورای اطلاع‌رسانی دولت، در شبکه اجتماعی ایکس‌نوشت که از سیدعلی خمینی و خاندان امام انتظار «سخنان مستدل، منطقی و ملی» می‌رود و نسبت به آنچه «عوام‌زدگی» خواند، هشدار داد.

با این حال، نقد زاهد بیش از آنکه وارد جزئیات سخنان سیدعلی خمینی شود، بر ارزیابی کلی از لحن و شیوه بیان او استوار است. او توضیح نمی‌دهد کدام بخش از سخنان، فاقد استدلال یا مغایر منافع ملی بوده و مشخص نمی‌کند انتقادش دقیقاً متوجه کدام گزاره است. از این رو، نقد او بیش



از آنکه پاسخی به استدلال‌های مطرح‌شده درباره بازدارندگی، نقش مردم یا تفکیک میان مذاکره و سازش باشد، نوعی داوری چشم‌پسته و کلی درباره فضای سخنرانی به نظر می‌رسد.

احمد زیدآبادی نیز با یادآوری پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی امام خمینی (ره)، استدلال کرد که سخنان سیدعلی خمینی با آن تجربه تاریخی همخوانی ندارد و دشمن است تصمیم‌گیری برای مسئولان دشوارتر کند.

با این حال، محور اصلی سخنان سیدعلی خمینی نفی مطلق مذاکره نبود، بلکه تأکید بر این نکته بود که مذاکره نباید به معنای صلح، سازش یا عقب‌نشینی از اصول انقلاب تلقی شود. از همین رو، مشخص نیست این سخنان و قیاس شرایط امروز با پذیرش قطعنامه ۵۹۸، بدون اثبات شباهت دو موقعیت تاریخی، چه هدفی را دنبال می‌کند. آنچه از مجموعه این واکنش‌ها برمی‌آید، این است که بخش مهمی از انتقادها نه متوجه اصل تفکیک میان «مذاکره» و «صلح»، بلکه متوجه هرگونه ادبیاتی است که بر استمرار تقابل با آمریکا و پرهیز از سازش تأکید دارد. از این منظر، اصلاح‌طلبان بیش از آنکه به استدلال سیدعلی خمینی درباره نسبت مذاکره و اقتدار پاسخ دهند، با نتیجه‌گیری سیاسی او مخالفت کرده‌اند؛ نتیجه‌گیری‌ای که از نگاه او، بر حفظ اصول انقلاب، اتکا به مردم و پرهیز از هرگونه برداشت سازش‌جویانه از مذاکره استوار است.

بورس زیر فشار فروشندگان



بازار سهام نخستین روز هفته جاری (دیروز، شنبه ۲۰ تیر ۱۴۰۵) را با برتری فروشندگان و افت ۱.۹۷ درصدی شاخص کل بورس، به عنوان نمارگ بازار، آغاز کرد. این روند تا پایان معاملات ادامه داشت؛ البته فشار فروش بیشتر شد و بسیاری از نمادهایی که در ابتدای معاملات با صف خرید یا در محدوده مثبت قرار داشتند، به مرور صف خرید خود را از دست دادند و برخی نیز تا محدوده تعادل یا حتی منفی عقب نشستند. با این حال، در نقشه پایانی بازار، سهم نمادهای قرمزپوش به ۷۱ درصد رسید. مجموع ارزش معاملات بورس تهران و فرابورس به محدوده ۱۳۱ هزار میلیارد تومان رسید. ارزش معاملات خرد سهام و صندوق های سهامی و پایانی (TAL) در محدوده ۲۷ هزار و ۴۶ میلیارد تومان قرار گرفت که نسبت به میانگین سه ماهه (۲۶ هزار و ۵۵۶ میلیارد تومان) ۲ درصد بیشتر بود. همچنین، در

ادامه روند خروج پول توسط حقیقی ها، روز شنبه ۵۱۹۲ میلیارد تومان از بازار سهام خارج شد؛ این در حالی است که بازار به طور متوسط روزانه شاهد ورود پول ۱۵۹۱ میلیارد تومان در سال جاری بوده است. با این حال، در جریان معاملات، بیشترین ورود پول حقیقی به گروه های فعالیت مهندسی، دارویی و سایر محصولات غذایی اختصاص پیدا کرد. ارزش کل بازارهای سهام ایران، شامل بورس تهران، بازار پایه و فرابورس نیز در محدوده ۱۷ هزار و ۸۷۹ هزار میلیارد تومان رسید. شاخص کل بورس تهران با افت ۱۰۴ هزار و ۲۳۴ واحدی (۱.۹۷ درصد) به سطح ۵ میلیون و ۱۸۲ هزار و ۶۲۱ واحد رسید. شاخص هم وزن با کاهش ۱۸ هزار و ۴۰۳ واحدی (۱.۳ درصد) در محدوده یک میلیون و ۳۶۵ هزار و ۸۴۶ واحد قرار گرفت. شاخص کل فرابورس نیز با ۵۶۲ واحد (۱.۴ درصد) کاهش در ارتفاع ۳۹ هزار و

۹۷۴ واحد ایستاد.

در جریان مبادلات شنبه، در شرایطی که نمادهای اصلی بازار سهام با کاهش همراه شدند و میانگین شاخص صنایع فعال بورس افت ۱.۴۴ درصدی را ثبت کرد، شاخص ۶ صنعت برخلاف روند عمومی بازار با رشد به کار خود پایان داد. صنایع خرده فروشی، فنی و مهندسی و محصولات دارویی بیشترین میزان افزایش روزانه شاخص را به ثبت رساندند. صندوق های طلا و نقره در معاملات دیروز روند متفاوتی را از نظر جریان نقدینگی تجربه کردند. معاملات صندوق های طلا در محدوده منفی ۱.۵ تا ۲.۶ درصد انجام شد. صندوق های نقره هم در محدوده منفی ۲ تا ۵ درصد معامله شدند. با این حال، صندوق های طلا ۲۵۸ میلیارد تومان از دست دادند، اما صندوق های نقره ۲۲۰ میلیارد تومان جذب کردند.

پیمان پاک در گفت وگو با نوبنیاد به ادعاها پاسخ داد؛

«واردات غلات آمریکایی در دولت شهید رئیسی» دروغ است

رئیس سازمان توسعه تجارت در دولت سیزدهم، بارد ادعای واردات غلات و کالاهای اساسی از آمریکا در دولت شهید رئیسی، تأکید کرد: واردات کالاهای اساسی از محل منابع بلوکه شده ایران در عراق و قطر نیز عمدتاً از مبدأ برزیل و آرژانتین انجام می شود و هیچ محصول آمریکایی وارد کشور نشده است.

۲ میلیارد دلار نیاز سالانه برای واردات غلات

اودرباره تفاهم نامه ایران و آمریکا برای آزادسازی منابع بلوکه شده گفت: من هم مانند دیگران از جزئیات اطلاعی ندارم و مانند همه، از فرایند آزادسازی منابع بی خبریم؛ اما هم اکنون چند شرکت ایرانی در قطر برای خرید و واردات در حال مذاکره هستند. این کارشناس مسائل تجارت خارجی بیان کرد: نکته اینجاست که ایران اکنون ۷ میلیارد دلار در عراق و ۳ تا ۴ میلیارد دلار در ترکیه دارد که برای واردات غذا و دارو مجوز دارد. ۱۲ میلیارد دلار دیگر نیز قرار است از طریق قطر استفاده شود که مجموع این ها حدود ۲۴ میلیارد دلار می شود. پیمان پاک تصریح کرد: ما سالانه فقط حدود ۷ میلیارد دلار نیاز به واردات غلات (ذرت، جو، گندم، شکر، روغن و کنجاله) داریم. پس چگونه با ۲۴ میلیارد دلار می خواهیم برای کشور ۶ تا ۷ میلیارد دلار کالا وارد کنیم؟ در این فرایند ممکن است پول های عراق و ترکیه معطل بماند.

پیشنهادی برای هزینه کرد

پول های بلوکه شده در قطر

پیمان پاک درباره منابع بلوکه شده در قطر پیشنهاد داد: بهتر است برای کالاهای غیرحساس، خارج از کالای اساسی، مانند پتل خورشیدی، تجهیزات صنعتی و تجهیزات پزشکی، مذاکره شود. برای مثال، دولت برنامه ساخت ۳۰ هزار مگاوات نیروگاه خورشیدی دارد. پتل خورشیدی کالای تحریمی نیست و مصرف دوگانه نیز ندارد. بنابراین، می توان بر تأمین این کالا از مسیر پول های قطر اصرار کرد. اوافزود: با مثال دیگر، با توجه به نیاز کشور به واردات چند میلیارد دلار بنزین در سال، می توان از این منابع برای واردات بنزین، حتی از شرکت های چندملیتی با سهام غالب آمریکایی، استفاده کرد. اگر توافق از منظر اقتدار بوده و قرار است پول به ایران داده شود و این موضوع محقق نشده، بحث دیگری است و در آن زمینه اظهار نظر نمی کنم؛ اما از منظر فنی و تجاری، اگر قرار است کالایی خریداری شود، استفاده از منابع برای پتل خورشیدی، بنزین، ماشین آلات و تجهیزات صنعتی قابل مذاکره است و این ها اولویت دارند.

البته باید پول در اختیار جمهوری اسلامی قرار گیرد، اما اگر صلاح دید مسئولان، واردات کالاست، اولویت های دیگری وجود دارد و بهتر است پول عراق و ترکیه صرف واردات کالاهای اساسی شود و در این مذاکرات جدید، کالاهای دیگر مورد توافق طرفین قرار گیرد؛ همان طور که در سال های گذشته نیز انجام شده است.

روسیه، قزاقستان، پاکستان و هند، تمام محموله هایی که از مسیر پول های بلوکه شده در عراق خریداری می شد، غالباً محصول آرژانتین و برزیل بود و هیچ محصول آمریکایی خریداری نشد. حدود هشت شرکت چندملیتی، مانند کارگیل و بونگه، در این فرایند فعالیت داشتند که در بازار بورس آمریکا هم حضور دارند. این شرکت ها،

چون خریداران بزرگ کالای اساسی هستند، به صورت فیوچر (خرید آتی) در برزیل، آرژانتین، اوکراین و کشورهای مختلف، محصولات را خریداری می کنند و آن ها را به کشورهای دیگر می فروشند. او گفت: تمام کالاهایی که از مسیر عراق خریداری شده بود، تقریباً از آرژانتین وارد کشور شده بود. روسیه نیز پس از جنگ اوکراین تحریم شد و عراق، به دلیل تحریم ها، امکان تجارت با روسیه را نداشت. قزاقستان و سایر کشورها در شمال ایران نیز فقط کشتی های کوچک داشتند و خرید و واردات از آن مسیر پول های بلوکه شده، صرفه اقتصادی نداشت؛ بنابراین، محموله های بزرگ وارداتی کالاهای اساسی که از بنادر جنوب وارد کشور می شد، بیشتر از آرژانتین و برزیل تأمین می شد.

توافق دولت سیزدهم برای پول های بلوکه شده

رئیس اسبق سازمان توسعه تجارت درباره توافق اواخر دولت سیزدهم برای استفاده از پول های بلوکه شده در قطر گفت: در آن مقطع، با پیگیری وزارت امور خارجه و جهاد کشاورزی، چند تن از شیوخ قطری به ایران آمدند و توافق شد که خرید کالای اساسی را برای ایران انجام دهند و کالا را تحویل بدهند. قرار بود خود طرف قطری درباره منابع بلوکه شده ایران با آمریکا مذاکره کند تا پول خودشان را از منابع ایران بردارند یا با منابع دیگر تهاثر کنند. پیمان پاک اضافه کرد: حدود ۱۵۰ میلیون دلار از این منابع خرید شد، اما با شهادت شهید رئیسی این روند متوقف شد. واردات این محصولات (کنجاله سویا و ذرت) نیز از مبدأ برزیل بود و در این فرایند، هیچ شرکت با فرد آمریکایی و حتی کالای آمریکایی حضور نداشت. این واردات حتی بدون مجوز اوفک انجام شد. قرار بود هر بخش توافق ۳۰۰ میلیون دلار باشد که ۱۵۰ میلیون دلار آن وارد شد و با پایان دولت سیزدهم، نیمه کاره باقی ماند.



نیما سهیلی

روزنامه نگار

وزیر جهاد کشاورزی در دولت سیزدهم منصوب شد، در گفت وگو با «نوبنیاد» درباره واردات کالاهای اساسی از آمریکا گفت: میزان تجارت آمریکا با ایران همواره بسیار کم بوده و فقط برخی داروهای خاص و تجهیزات بیمارستانی که برخی شرکت های آمریکایی تولید می کنند، با مجوزهای خاص وارد می شده است. اما واردات غلات و مواد غذایی از آمریکا، با توصیه نهادهای امنیتی، از زمان دولت دوازدهم (حسن روحانی) ممنوع شده و اجازه ثبت سفارش نداشت است. اوافزود: بنابراین، در سامانه جامع تجارت، از سال های ۹۷ و ۹۸ هیچ ثبت سفارشی برای واردات کالای اساسی از آمریکا انجام نشده است. در سه سال دولت سیزدهم نیز حتی یک مورد ثبت سفارش برای خرید یا واردات کالای اساسی و غلات آمریکایی نداشتیم.

رئیس اسبق سازمان توسعه تجارت، درباره واردات با پول های ایران در عراق و قطر اظهار داشت: توافق برای واردات با منابع بلوکه شده ایران در عراق، در دولت دوازدهم، برای حدود یک میلیارد دلار انجام شده بود و در دولت سیزدهم نیز این مسیر ادامه داشت. دولت چهاردهم هم آن را دنبال کرد و خرید از چند شرکت چندملیتی که برخی از آن ها در بورس آمریکا حضور دارند، صورت می گرفت. این شرکت ها براساس توافق با واردکنندگان داخلی، خرید کالاهای اساسی را نهایی می کردند. بانک مرکزی عراق هم برای پرداخت پول آن، از اوفک مجوز گرفته بود؛ مانند پول هایی که در ترکیه قرار دارد تا با این منابع، کالای اساسی تأمین شود.

محصولات آرژانتینی و برزیلی

وارد می شد نه آمریکایی

پیمان پاک تأکید کرد: در دولت سیزدهم، در کنار ایجاد تنوع در مبادی واردات و سوق دادن بخش قابل توجهی از تأمین کالای اساسی کشور به سمت

«هزینه شدن منابع مسدود شده ایران پس از آزادسازی برای خرید غلات و محصولات کشاورزی آمریکایی»، یکی از مهم ترین حواشی هفته های اخیر بوده است. پس از امضای تفاهم نامه توسط رؤسای جمهور ایران و آمریکا، آمریکایی ها گفتند پول های بلوکه شده ایران، در صورت آزادسازی، صرف خرید سویا، ذرت و گندم از کشاورزان آمریکایی خواهد شد. مقامات دولت پزشکیان و رسانه های نزدیک به آن، پس از بالا گرفتن انتقادات افکار عمومی، تلاش کردند با نسبت دادن موضوع «واردات کالا از آمریکا» به دوران دولت شهید رئیسی، خود را مبرا کنند. در همین رابطه، «نوبنیاد» در گفت وگویی با علیرضا پیمان پاک، رئیس سازمان توسعه تجارت در دولت سیزدهم، این ادعای دولتمردان را بررسی کرد.

غلامرضا نوری قزلقجه، وزیر جهاد کشاورزی، با بیان اینکه بخشی از قراردادهای کشاورزی با آمریکا مربوط به دولت قبل بوده است، گفت: این موضوع مربوط به توافقات قبلی و مربوط به سال ۱۴۰۱ بود. مهدی محمدی، مشاور محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، نیز در همین رابطه می گوید: ۲۰ سال است که کالای اساسی کشور را از دوش شرکت آمریکایی خریداری می کنیم. الان هم بانک مرکزی می خواهد از همان دوش شرکت خرید کند. این سخنان در حالی مطرح شد که علیرضا پیمان پاک، رئیس سازمان توسعه تجارت در دولت سیزدهم، می گوید: در سه سال دولت سیزدهم، هیچ کالای اساسی و غلات آمریکایی وارد کشور نشده است.

ممنوعیت واردات کالای اساسی از آمریکا

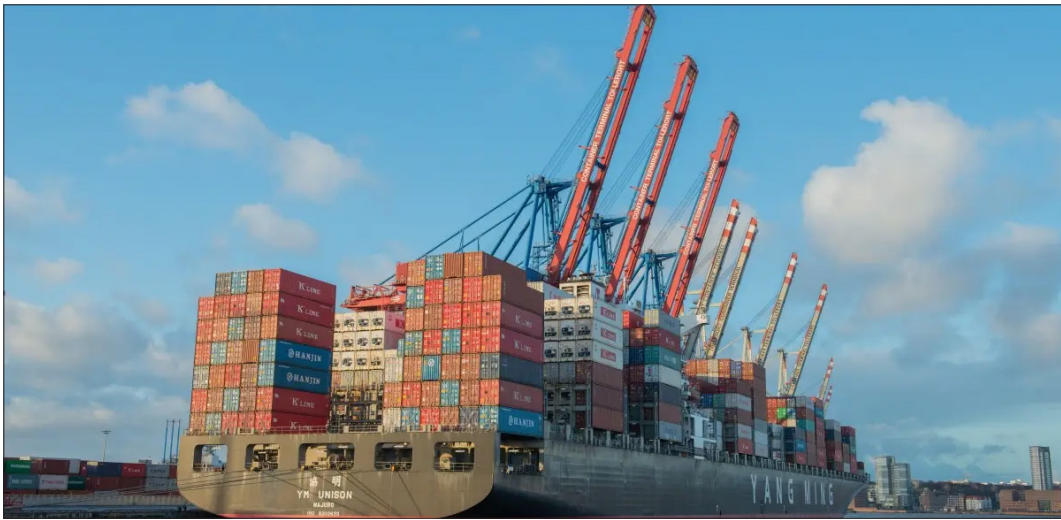
پیمان پاک که اواخر سال ۱۴۰۱ به سمت قائم مقام

نوبنیاد گزارش می دهد؛

فرصت های اقتصادی تهران در شکاف مادرید – واشنگتن

سفرها، را قطع کنید.» این، اظهارات دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، در نشست خبری چهارشنبه هفته گذشته کشورهای عضو ائتلاف نظامی «ناتو» در ترکیه است.

«اسپانیا شریک وحشتناکی در ناتو است. آن ها مشارکت نمی کنند. آن ها سهم خود را پرداخت نمی کنند. نمی خواهم هیچ کاری با اسپانیا داشته باشم. لطفاً تمام مبادلات تجاری با اسپانیا، از جمله



آرمان صدایی

روزنامه نگار

حملات ترامپ به اسپانیا در این نشست خبری به همین جملات ختم نشد و او ادامه داد: «حتی با آن ها صحبت هم نکنید. آن ها آدم های ناامیدکننده و بدی هستند. چند کشور دیگر هم هستند، اما به طور خاص اسپانیا. عامل اصلی این خشم بی سابقه، فراتر از بحث بودجه دفاعی، ایستادگی مادرید در برابر واشنگتن در پرونده ایران بود. سانچز صراحتاً از دادن مجوز به هواپیماها و پایگاه های آمریکایی در خاک اسپانیا برای استفاده در جنگ علیه ایران خودداری کرده بود. ترامپ با اعلام پایان آتش بس با ایران، بازار بورس اروپا را با شوک مواجه کرد و هم زمان خواستار تنبیه فوری مادرید شد. در واکنش اولیه به این تهدید، شاخص بورس «ایبکس ۳۵» اسپانیا نزدیک به ۳ درصد سقوط کرد و نرخ بازدهی اوراق قرضه این کشور افزایش یافت. اسپانیا همچنین تنها عضو ائتلاف نظامی ناتو است که سال گذشته متعهد نشد تا سال ۲۰۳۵ میلادی، ۵ درصد از تولید ناخالص داخلی (GDP) خود را صرف امور دفاعی کند.

قوانین اروپا،

مانع جنگ تجاری آمریکا با اسپانیا

تنها چند روز پس از دستور ترامپ به وزیر خزانه داری اش مبنی بر تدوین «فهرست اقدام تحریمی اسپانیا»، واقعیت های اقتصادی خود را تحمیل کردند. قوانین گمرکی اتحادیه اروپا صراحتاً مانع از آن می شود که یک کشور خارجی بتواند یکی از اعضا را به صورت انفرادی تحریم کند؛ چرا که این اتحادیه به عنوان یک بلوک تجاری واحد عمل می کند. به همین دلیل، ترامپ در راه بازگشت به واشنگتن، در هواپیمای «ایرفورس وان»، به سرعت لحن خود را تغییر داد و با تمجید از افزایش بودجه نظامی اسپانیا به ۲ درصد، ادعا کرد که «آن ها بسیار سخاوتمند بوده اند». مقامات مادریدی و ناظران بین المللی این رفتار سینوسی ترامپ را یک «جنگ زرگری» و نمایش رسانه ای توصیف کردند که واقعیت اقتصادی بازارها، یعنی وابستگی متقابل شرکت های آمریکایی و اسپانیایی، به آن اجازه عملی شدن نمی دهد.

اسپانیا: تسلیم نمی شویم

مونیکا گارسیا، وزیر بهداشت اسپانیا، در پاسخ به تهدید ترامپ مبنی بر توقف معاملات تجاری با اسپانیا، با حمله به او تأکید کرد که مادرید، در اوج تنش میان واشنگتن و دولت اسپانیا، در پس زمینه اختلاف نظر بر سر هزینه های دفاعی در ناتو

و سیاست های مربوط به خاورمیانه، در برابر «باج گیری و تهدید» تسلیم نخواهد شد. وی افزود: ترامپ اسپانیا را شریک بدی توصیف می کند، زیرا باج گیری و تهدید را نمی پذیرد. ما کشوری مستقل و دموکراتیک هستیم که از صلح دفاع می کنیم.

اسپانیا؛ پنجره جدید تجارت برای ایران

هرچند جنگ لفظی میان آمریکا و اسپانیا به خودی خود فرصت بزرگی برای ایران ایجاد نمی کند، اما اگر این اختلاف به افزایش تعرفه ها، محدودیت های تجاری یا تنش های سیاسی منجر شود، در برخی بازارها و کالاهای می تواند فرصت های اقتصادی برای ایران ایجاد کند. در مقابل، تحریم های آمریکا همچنان مهم ترین مانع توسعه روابط اقتصادی ایران و اسپانیاست و دامنه این فرصت ها را محدود نگه می دارد. در مجموع، استفاده از فضای ناشی از جنگ تجاری احتمالی میان اسپانیا و آمریکا باید به طور خاص با در نظر گرفتن دو شاخص «ترکیب تجارت ایران و اسپانیا» و همچنین «موانع ناشی از تحریم» باشد.

آمارها نشان می دهد مجموع تجارت آمریکا و اسپانیا در سال ۲۰۲۵ بالغ بر ۴۴ میلیارد دلار بوده است. از کل این رقم، آمریکا ۲۶ میلیارد دلار صادرات به اسپانیا داشته و این کشور ۱۸ میلیارد دلار به آمریکا صادرات داشته است. این ارقام نشان می دهد اسپانیا در تجارت با آمریکا کسری ۸ میلیارد دلاری دارد. مهم ترین اقلام صادراتی اسپانیا به آمریکا در سال گذشته میلادی، به ترتیب، ترانسفورماتورهای برق و مبدل های استاتیک (۱.۱ میلیارد دلار)، روغن زیتون (۸۰۵ میلیون دلار)، دارو (۷۸۴ میلیون دلار) و توربوجت ها، توربوپروپلرها و سایر توربین های گازی (۷۱۱ میلیون دلار) بوده است. در طرف مقابل، مهم ترین اقلام صادراتی آمریکا به اسپانیا در سال ۲۰۲۵، به ترتیب، نفت خام (۴.۵ میلیارد دلار)، دارو (۴.۱ میلیارد دلار)، گاز (۳.۱ میلیارد دلار)، آجیل و انواع مغزها (۷۷۰ میلیون دلار)، روغن های نفتی (۷۳۶ میلیون دلار) و پلیمرهای اتیلن (۴۲۴ میلیون دلار) بوده است.

آمریکا ۴۰.۱ میلیارد دلار دارو به اسپانیا صادر کرده و اسپانیا نیز ۷۸۴ میلیون دلار دارو به آمریکا فرستاده است. این نشان می دهد اسپانیا یک هاب دارویی قدرتمند است. اقلام دارویی و پزشکی طبق قوانین بین المللی مشمول تحریم های مستقیم نیستند و در زمره اقلام بشردوستانه قرار می گیرند. ایران همیشه در تأمین داروهای خاص با مشکل مواجه است. ایران می تواند از این فرصت استفاده کرده و کانال های مالی ویژه ای، خارج از چرخه دلار و سوئیت، مثلاً بر پایه یورو یا سازوکارهای تهاتری، برای واردات دارو و خون آماده برای مصارف درمانی از اسپانیا

ایجاد کند. از آنجا که شرکت های دارویی اسپانیا ممکن است با تهدیدات تعرفه ای ترامپ، بازار آمریکا را ناامن ببینند، بازار تشنه ایران می تواند یک مقصد جایگزین، هرچند کوچک تر، برای آن ها باشد. آمریکا حدود ۱.۵ میلیارد دلار ذرت و آجیل به اسپانیا صادر کرده است. ایران نیز یکی از بزرگ ترین تولیدکنندگان آجیل و مغزها، به ویژه پسته، در جهان است. اگر تعرفه های ترامپ راه ورود این اقلام به اسپانیا را سخت کند، ایران می تواند بازار آجیل اسپانیا را هدف قرار دهد.

کانال های عملیاتی ایران در مواجهه با مانع تحریم

از آنجا که بانک های بزرگ اسپانیایی از ترس جریمه های آمریکا با ایران کار نمی کنند، برای زنده کردن این فرصت ها، سه راهکار ساختاری وجود دارد. در وهله نخست، ایران می تواند فرمول «کالای کشاورزی و پتروشیمی در ازای دارو و تجهیزات صنعتی» را پیش بکشد. مثلاً ایران می تواند پلیمر، قیر یا خشکبار را به شرکت های متوسط اسپانیایی تحویل دهد و در ازای آن، ترانسفورماتورهای برق، قطعات توربین یا دارو دریافت کند. در نهایت، پولی جابه جانی شود که فرایند آن در اتاق های پایاپای دیجیتال قابل ردیابی باشد. کانال دیگر، استفاده از شرکت های کوچک و متوسط (SMEs) اسپانیاست. شرکت های غول پیکر اسپانیایی، که بلک راک سهام دار آن هاست، هرگز ریسک کار با ایران را نمی پذیرند. اما اسپانیا هزاران شرکت کوچک و متوسط (SMEs) در حوزه کشاورزی، کاشی و سرامیک و قطعات صنعتی دارد که هیچ منفعت، سهام دار یا بازاری در آمریکا ندارند. این شرکت ها در صورت تقصیر پرداخت، مثلاً از طریق ارزهای دیجیتال یا طلا، تمایل بالایی برای کار با بازار ایران دارند. مورد سوم، کانال واسطه ای اتحادیه اروپاست. با توجه به اینکه پدرو سانچز اعلام کرده قوانین اتحادیه اروپا اجازه تحریم انفرادی را نمی دهد، ایران می تواند روابط خود را از طریق کشورهای متمایل به کار با ایران در اروپا، که با اسپانیا روابط گمرکی آزاد دارند، مدیریت کند. کالاهای می توانند به مقصد یک کشور ثالث در اروپا صادر و سپس بدون عوارض گمرکی وارد اسپانیا شوند. فرصت توسعه روابط اقتصادی میان ایران و اسپانیا وجود دارد، اما نه در سطح کلان دولتی. کلید موفقیت ایران در این معامله، تمرکز بر بخش خصوصی، شرکت های کوچک اسپانیایی و تمرکز بر اقلام کشاورزی و دارویی است که حساسیت سیاسی کمتری دارند. این نزاع تجاری به ایران امکان می دهد تا به عنوان یک خریدار یا فروشنده جایگزین، در حاشیه امن قوانین گمرکی اروپا با مادرید وارد دادوستد شود.

نبض بازار

آیا سقوط دلار حتمی است؟

برای بیش از هشت دهه، دلار آمریکا پادشاه بلامنازع اقتصاد جهان بوده است. این ارز نه تنها به عنوان واحد اصلی تجارت بین المللی عمل کرده، بلکه پناهگاه امن بانک های مرکزی برای ذخیره ثروت نیز بوده است. این هژمونی ارزی به واشنگتن قدرتی جادویی بخشید که اقتصاددانان آن را «امتیاز گراف» می نامند؛ امتیازی که به آمریکا اجازه می داد، بدون ترس از ورشکستگی، فرسنگ ها فراتر از درآمدش خرج کند، وام های ارزان قیمت بگیرد و از دلار به عنوان یک سلاح ژئوپلیتیک علیه دیگر کشورها استفاده کند. اما گزارش مؤسسه تحقیقاتی دویچه بانک نشان می دهد که این دوران طلایی به سرعت در حال مخدوش شدن است و واشنگتن با یکی از بحرانی ترین دهه های تاریخ خود مواجه شده است. بزرگ ترین و ملموس ترین خطری که جایگاه دلار را تهدید می کند، از دست رفتن انضباط مالی در خود آمریکا است. در چند سال اخیر، کسری بودجه فدرال آمریکا به طور مداوم در محدوده ۵ تا ۶ درصد تولید ناخالص داخلی (GDP) باقی مانده است. این رقم برای اقتصادی در وضعیت اشتغال کامل، در زمان صلح و خارج از دوران رکود بزرگ، در تاریخ آمریکا کاملاً بی سابقه است. اما تکان دهنده ترین بخش این بحران، که در گزارش دویچه بانک به عنوان هشدار جدی به سرمایه گذاران نهادی مطرح شده، به نمودار ۱۲ این گزارش مربوط است.

برای نخستین بار در تاریخ ایالات متحده، یک نقطه تقاطع مرگبار رخ داده است: هزینه های پرداخت بهره بدهی های فدرال شتابان صعود کرده و از کل بودجه دفاعی و نظامی آمریکا پیشی گرفته است. به زبان ساده، آمریکا اکنون بیش از آنکه برای حفظ ارزش و قدرت سخت خود در جهان هزینه کند، باید برای زنده نگه داشتن بدهی های گذشته اش به سرمایه گذاران بهره پرداخت کند. روند فزاینده سهم هزینه بهره بدهی ها با بودجه دولت آمریکا، فضا را برای هرگونه مانور اقتصادی در دولت های بعدی به شدت تنگ کرده و زنگ خطر ناپایداری مالی را به صدا درآورده است.

سلاحی که به سوی صاحش شلیک کرد!

کاهش سهم دلار از ذخایر ارزی جهان، از ۷۲ درصد به ۵۸ درصد، یک شبه رخ نداده و در طول دود دهه گذشته اتفاق افتاده است؛ اما سرعت گرفتن آن دلایل روشنی دارد. دویچه بانک در تحلیل خود به پدیده «سلاح سازی از دلار» اشاره می کند. طبق اعلام دویچه بانک، مسدود شدن ذخایر بانک مرکزی روسیه در سال ۲۰۲۲ توسط سیستم مالی غرب، اگرچه اقدامی تنبیهی و سیاسی بود، ترسی عمیق در دل کشورهای بلوک شرق و اقتصادهای نوظهور انداخت. این کشورها دریافته اند که تکیه کامل بر دلار، یعنی اعطای کلید حاکمیت اقتصادی شان به واشنگتن. در نتیجه، انگیزه ای قدرتمند برای یافتن جایگزین های دیگر در جهان شکل گرفت. این روند با افول ساختاری سیستم قدیمی «پتrodollar» (خرید نفت با دلار) و تمایل چین به تقویت جایگاه بین المللی یوان، شدت بیشتری یافته است. امروز بانک های مرکزی دنیا به جای انباشت دلار، به سوی امن ترین دارایی تاریخ، یعنی «طلا»، کوچ کرده اند و بزرگ ترین برنامه خرید طلا در نیم قرن اخیر را رقم زده اند. کارشناسان دویچه بانک معتقدند که خطر پیش روی دلار، یک «فروپاشی ناگهانی و سقوط آزاد» نیست، بلکه یک «فروپاشی تدریجی اما مداوم» است. هیچ ارز واحدی در جهان، حتی یوان یا یورو، هنوز آماده نیست که به تنهایی بار سنگین تجارت جهانی را به دوش بکشد و اثرات شبکه ای دلار همچنان قدرتمند است. اما از دست رفتن تدریجی این امتیاز، هزینه های احتمالی استقرار برای دولت و شهروندان آمریکایی به شدت بالا خواهد برد.

تغییرات جمعیتی، کاهش نرخ باروری به ۱.۶ و پیرشدن سریع جمعیت آمریکا نیز این بحران مالی را تشدید می کند؛ چرا که تا چند سال آینده، صندوق های تأمین اجتماعی و بیمه های درمانی عملاً خالی خواهند شد و کشور به تحکیم مالی شدیدی نیاز خواهد داشت؛ امری که در فضای دو قطبی شده سیاست آمریکا، غایب می کند. به نظر می رسد. در شرایطی که موتورهای پیشران بازار سهام آمریکا به شکل خطرناکی تنها در چند شرکت بزرگ هوش مصنوعی خلاصه شده اند، بروز یک بحران مالی ناشی از بدهی ها می تواند به طور همزمان بازار سهام، اوراق قرضه و ارزش دلار را در هم بکوبد.

بین الملل

احضار خبرنگاران بابت رسانه‌ای کردن واهمه ترامپ از انتقام ایران

به دنبال خبر نیویورک تایمز درباره «تغییر هواپیمای ترامپ در بازگشت از ترکیه از ترس ایران»، دولت آمریکا برای خبرنگاران این روزنامه احضاریه صادر کرد.

این روزنامه خبر تغییر هواپیمای ترامپ در زمان بازگشت از سفر ترکیه به دلیل ترس از ایران را منتشر کرد و خبرنگارانش، احضاریه دریافت کردند. نیویورک تایمز پیش‌تر خبر داده بود که به دنبال توصیه سرویس مخفی آمریکا، ترامپ از هواپیمای قدیمی «ایرفورس وان» برای ترک ترکیه استفاده کرد و نه هواپیمای جدید اهدایی قطر. به روایت این روزنامه، دلیل توصیه سرویس مخفی این بود که هواپیمای اهدایی قطر با شتاب وارد چرخه خدمت شده و ممکن است هنوز به برخی سامانه‌های دفاعی و ارتباطات امن مجهز نباشد. حالا امروز، نیویورک تایمز از «احضار» خبرنگارانش در رابطه با این گزارش خبر داد. به نوشته نیویورک تایمز، وزارت دادگستری به دنبال «شهادت» خبرنگاران در برابر مقامات فدرال است.

نیویورک تایمز اقدام دولت ترامپ علیه خبرنگارانش را «عملی گستاخانه» خواند و محکوم کرد. به گزارش این رسانه، دولت برای چندین خبرنگارش احضاریه صادر کرد که هدف آن، وادار کردن آنها به شهادت در برابر هیئت منصفه فدرال در منتهن در روز چهارشنبه است. وکیل اتاق خبر تایمز دیوید مک‌کرا، گفت: «حضور مأموران اجرای قانون فدرال در مقابل درب منزل خبرنگاران باید وجدان هر آمریکایی را که به قانون اساسی و آزادی مطبوعات که از آن محافظت می‌کند، تکان دهد.»



حیرت رسانه‌ها و محافل غربی از حماسه تشییع میلیونی همچنان ادامه دارد

حضور میلیونی ایرانی، سند شکست غرب

در حالی که محافل غربی با حیرت و نگرانی نظاره‌گر تشییع میلیونی رهبر شهید آیت‌الله سید علی خامنه‌ای بودند، میلیون‌ها ایرانی با حضوری باشکوه و سازمان‌یافته در تهران، قم، نجف، کربلا و مشهد، باردیگر وحدت ملی و استحکام نظام جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشتند. رسانه‌های غربی که تا دیروز از فروپاشی و اعتراضات گسترده دم می‌زدند، اکنون با شوک مواجه شده‌اند و این مراسم را معجزه و بازگشت به وحدت توصیف می‌کنند. واقعیتی که نقشه‌های ترامپ و نتانیاهو برای بی‌ثبات‌سازی ایران را نقش بر آب کرد و نشان داد خون شهدا، ملت را متحدتر از همیشه ساخته است.

تقویت کرده و مشروعیت ایران را تثبیت می‌کند. نیویورک تایمز نوشت که مراسم، نمایش وحدت ملی بود و حتی با وجود غیبت موقت رهبر جدید به دلایل امنیتی، انسجام نظام را نشان داد. این در حالی است که رسانه‌های غربی پیش‌تر از شکاف و فروپاشی سخن می‌گفتند، اما اکنون نه تنها جمعیت به خیابان‌ها آمده بلکه کشورهای مختلف نیز در آن حضور داشتند. یکی دیگر از نکات برجسته در گزارش‌های غربی، تمجید ضمنی از سازماندهی بی‌نقص مراسم بود. اپلیکیشن‌های اسکان، بیمارستان‌های صحرایی، متروی شبانه‌روزی و توزیع غذا و آب توسط ده‌ها هزار داوطلب، نشان‌دهنده توانمندی نظام در خدمت به مردم است.

آشویتد پرس و نیویورک تایمز نیز از شعارهای «مرگ برترامپ» و بنرهای «انتقام» خبر دادند که حاکی از عزم راسخ ملت برای انتقام است. نیروهای مسلح ایران نیز بر پیگیری عدالت تا مجازات قاتلان تأکید کرد. این پیام‌ها، غرب را که با فشار بر هم‌انسان خارجی که سعی در کم‌رنگ کردن مراسم داشت، ناامید ساخت.

در پایان، تشییع میلیونی رهبر شهید، بار دیگر ماهیت مردمی نظام را به رخ جهانیان کشید. محافل غربی که امیدوار به تکرار سناریوهای شکست خورده بودند، اکنون با واقعیتی تلخ مواجه‌اند. جمهوری اسلامی نه تنها ایستاده، بلکه با خون شهدا، قوی‌تر و متحدتر از همیشه به پیش می‌رود. این حماسه، سند زنده‌ای بر بطلان توطئه‌های استکبار و پیروزی راه مقاومت است.

خیابان‌های تهران و حمل پیکر مطهر رهبر شهید پروری کامیون سخن گفتند. آن‌ها که پیش‌تر بر اعتراضات مانور می‌دادند و ابزار غرب برای دمیدن بر این آتش بودند، اکنون مجبور به ثبت تصاویر میلیونی و نظم مثال‌زدنی مراسم شدند. مراسمی که حتی در مقایسه با تشییع سردار سلیمانی، گسترده‌تر توصیف شد. آسوشیتدپرس از تلاش خیل عظیم جمعیت برای نزدیک شدن به تابوت و

این شگفتی سخن گفت. نیویورک تایمز نیز جمعیت میلیونی در تهران و قم و عراق و مشهد را گزارش کرد که با وجود گرمای شدید، مردم با پرچم‌های سرخ که نشان از خونخواهی و انتقام از قاتلان رهبر ایران بود به خیابان‌ها آمدند و هیچ واهمه‌ای از تهدید ابرقدرت دنیا نداشتند.

رسانه‌های غربی در تحلیل‌های خود، این تشییع را «ضربه‌ای کاری» به روایت‌های پیشین‌شان دانسته‌اند. گاردین اشاره کرد که تنها هفت ماه پیش، خیابان‌ها صحنه اعتراض بود، اما اکنون میلیون‌ها نفر در سوگ رهبر شهید شرکت کردند و این بازگشت را به جنگ نادرست ترامپ و راهبری مدبرانه رهبر ایران که پس از جنگ بیش از پیش آشکار شد نسبت داد.

تحلیلگرانی مانند سانام وکیل از Chatham House وروهام الوندی از LSE نیز در رسانه‌های غربی اذعان کردند که این مراسم، روایت مقاومت و ایستادگی را



محسن پوردادفر

روزنامه‌نگار

گاردین در گزارشی از تهران نوشت که میلیون‌ها نفر در مراسم تشییع شرکت کردند و این جمعیت عظیم، نشان از وحدت مردم ایران پس از اعتراضات ماه‌های قبل است. این رسانه انگلیسی که معمولاً لحنی بدبینانه به ایران می‌نگرد، اعتراف کرد که این حضور، نشان‌دهنده عمق حمایت مردمی است. حضوری که از شرق تا غرب تهران و با شعار ما برمی‌خیزیم و پرچم‌های ایران، عزت و مقاومت را فریاد زد. الجزیره نیز از جمعیت عظیم و فراخوان انتقام از آمریکا و اسرائیل خبر داد و تأکید کرد که مقامات ایرانی این مراسم را نماد وحدت و تاب‌آوری در برابر جنگ تحمیلی خواندند.

سی‌ان‌ان و بی‌بی‌سی هم با پوشش گسترده، از حضور میلیون‌ها نفر در

ضربه کاری به روایت غرب

رسانه‌های غربی در تحلیل‌های خود، این تشییع را «ضربه‌ای کاری» به روایت‌های پیشین‌شان دانسته‌اند. گاردین اشاره کرد که تنها هفت ماه پیش، خیابان‌ها صحنه اعتراض بود، اما اکنون میلیون‌ها نفر در سوگ رهبر شهید شرکت کردند و این بازگشت را به جنگ نادرست ترامپ و راهبری مدبرانه رهبر ایران که پس از جنگ بیش از پیش آشکار شد، نسبت داد.

یادداشت

جیره شیوخ امارات از همراهی با آمریکا

علیرضا خوشبخت
روزنامه‌نگار

در اقدامی آشکار که نشان‌دهنده عمق هم‌پیمانی شیوخ مرتجع عربی با امپریالیسم آمریکایی در برابر جبهه مقاومت است، وزارت بازرگانی آمریکا محدودیت‌های کنترل صادرات به امارات متحده عربی را به طور قابل توجهی کاهش داد. این تصمیم، مستقیماً به خاطر همکاری امارات در عملیات علیه ایران در جنگ تحمیلی سوم و حمایت از منافع آمریکا اتخاذ شده است.

اداره صنعت و امنیت (BIS) وابسته به وزارت بازرگانی آمریکا در بیانیه‌ای رسمی اعلام کرد که امارات را از گروه‌های کشوری D:۳ و D:۴ در مقررات اداره صادرات (EAR) خارج کرده و آن را در گروه ۵A طبقه‌بندی می‌کند. براساس این تغییر، محدودیت‌های مربوط به پشتیبانی از برنامه‌های پهلادی امارات برداشته می‌شود و می‌تواند بدون نیاز به مجوز صادرات، به اقلام نظامی تحت کنترل آمریکا، ماهواره‌ها و فضاپیماهای تجاری، و فناوری‌های دومانظوره در حوزه‌های نفت و گاز، شیرین‌سازی آب، تولید برق هسته‌ای و سایر فناوری‌های حساس دسترسی یابد.

این بیانیه صراحتاً تأکید دارد که این امتیازات به دلیل «جایگاه امارات به عنوان شریک اصلی دفاعی ایالات متحده» و «حمایت از پیشبرد منافع امنیت ملی آمریکا در عملیات علیه ایران» اعطا شده است. همچنین در چارچوب توافق هوش مصنوعی امضا شده در مه ۲۰۲۵، دولت امارات و شرکت‌های وابسته به آن می‌توانند بدون مجوز، تراشه‌های پیشرفته هوش مصنوعی و سرورهای مرتبط را دریافت کنند. امارات متعهد شده سرمایه‌گذاری‌های هم‌تراز در زیرساخت‌های دیجیتال آمریکا انجام دهد تا این رشوه‌گری ادامه یابد.

رویترز نیز در گزارشی فاش کرد که شرکت‌های اماراتی G ۴۲ و Core ۴۲ و همچنین غول‌های آمریکایی فعال در امارات مانند آمازون، اپل از این پس بدون نیاز به کسب مجوز به تراشه‌های هوش مصنوعی و سرورها دسترسی خواهند داشت. این امتیازات اقتصادی-نظامی، پاداش مستقیم همراهی امارات در جنگ تحمیلی اخیر علیه ایران است.

این اقدام واکنش‌گتن بار دیگر ماهیت واقعی روابط آمریکا با شیوخ وابسته خلیج فارس را آشکار می‌سازد. امارات که در عملیات تجاوزکارانه علیه ایران شرکت کرده، حالا با برداشتن محدودیت‌های صادراتی و دسترسی به فناوری‌های پیشرفته، پاداش می‌گیرد.

اگر جمهوری اسلامی ایران حملات خود را به گونه‌ای تنظیم کند که هزینه‌های وارد شده به امارات و حامیان آمریکایی‌اش به مراتب فراتر از فواید مورد نظرشان برود، بدون شک این رژیم‌ها از ادامه ماجراجویی باز خواهند ماند. امارات، بحرین، کویت و سایر کشورهای حاشیه خلیج فارس باید بدانند که حمله به ایران بدون پرداخت هزینه سنگین ممکن نیست. ادامه این سیاست مماشات و هزینه پایین برای متجاوزان، تنها به تداوم حملات منجر خواهد شد.

تجربه جنگ ۴۰ روزه درس عبرتی است. زمانی که کشورهای عربی مجبور شدند دست به دامن آمریکا شوند و درخواست پایان جنگ کنند تا از آسیب بیشتر در امان بمانند. امروز نیز باید با افزایش هزینه برای مهاجمان، شرایطی مشابه ایجاد کرد. مقاومت فعال، افزایش قدرت بازدارندگی و ضربه زدن به نقاط حساس اقتصادی-نظامی این رژیم‌ها، تنها زبان قابل فهم برای این خائنان به امت اسلامی است.

یادداشت

تل‌آویو و انتخاب «جنگ ابدی»

امیر شهشهانی
روزنامه‌نگار

تحلیلی که اخیراً از سوی «اوری گلدبرگ» پژوهشگر اسرائیلی منتشر شده اعتراضی کم‌سابقه به یک واقعیت راهبردی است؛ اینکه پس از جنگ‌های اخیر، در اسرائیل دیگر اختلاف اصلی بر سر «اصل جنگ» نیست، بلکه تنها بر سر «نحوه اداره جنگ دائمی» است. به بیان دیگر، حتی اگر مذاکرات ایران و آمریکا ادامه یابد یا به توافقی منجر شود، دکترین امنیتی اسرائیل تغییری نکرده و تل‌آویو همچنان خود را در وضعیت «جنگ بی‌پایان» تعریف می‌کند.

گلدبرگ با اشاره به سخنان صریح نتانیاو مبنی بر اینکه «تلاش برای پیروزی کامل هرگز تمام نخواهد شد»، نشان می‌دهد این جمله صرفاً یک شعار انتخاباتی نیست، بلکه تبدیل به دکترین جدید اسرائیل شده است؛ دکترینی که بر اساس آن، جنگ شرط بقا تلقی می‌شود و اسرائیل برای خود حق حمله مستمر و «آزادی عمل کامل» در سراسر منطقه قائل است. نکته مهم‌تر آنجاست که این تحلیلگر اسرائیلی تصریح می‌کند این نگاه تنها متعلق به نتانیاو نیست. از جریان راست افراطی تا بخش مهمی از مخالفان دولت (بنت)، ایزنکوت و لیبرمن، اجماع کم‌سابقه‌ای درباره ادامه رویکرد تهاجمی علیه ایران و محور مقاومت شکل گرفته است. بنابراین، اگر تهران تصور کند با تغییر دولت‌ها یا جابه‌جایی چهره‌های سیاسی در تل‌آویو، تهدید امنیتی اسرائیل بر علیه ایران کاهش می‌یابد این خطایی راهبردی خواهد بود.

این اعتراف از درون جامعه اسرائیل باید برای سیاست‌گذاران ایرانی یک پیام روشن داشته باشد؛ امنیت ملی را نمی‌توان بر پایه امید به تغییر رفتار رژیم بنا کرد که خود، جنگ دائمی را مبنای موجودیتش تعریف می‌کند.

این مسئله البته به معنای نفی دیپلماسی نیست، اما دیپلماسی زمانی معنا دارد که در کنار آن، بازدارندگی نیز با همان منطق دشمن تنظیم شود. اسرائیلی که خود را ملزم به هیچ قاعده‌ای جز «قدرت» نمی‌داند، تنها در برابر هزینه‌های سنگین، از ماجراجویی عقب می‌نشیند. تجربه سال‌های گذشته نیز نشان داده هر زمان بازدارندگی ایران تقویت شده، دامنه تحرکات تل‌آویو محدودتر شده و هر جرات‌طور ضعف یا تردید ایجاد شده، دامنه اقدامات خصمانه گسترش یافته است و از این رو امروز و پس از تهدیدات ضمنی آمریکا و اسرائیل به بمباران اتمی نوبت تغییر در دکترین هسته‌ای کشور رسیده است.

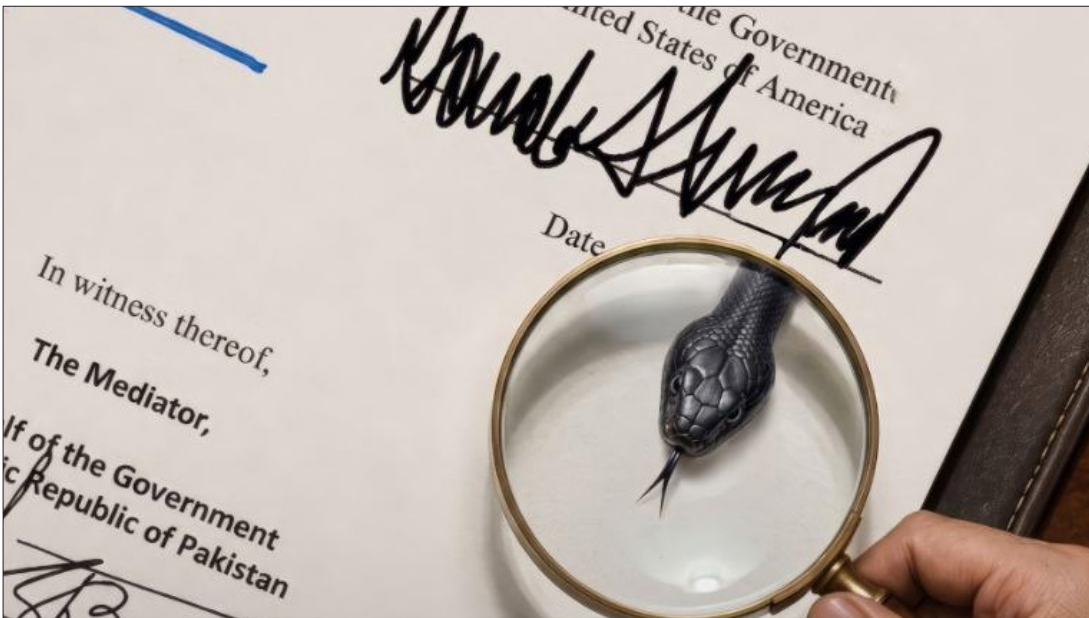
گلدبرگ در پایان هشدار می‌دهد که اسرائیل در حال حرکت به سمت انزوای بین‌المللی است؛ اما همین اسرائیل منزوی نیز از جنگ دست نخواهد کشید. این همان نکته‌ای است که نباید در تهران نادیده گرفته شود. دشمنی که بقای خود را در تداوم بحران تعریف کرده، با توافقی مقطعی از راهبرش دست نمی‌کشد. از همین رو، تصمیمات راهبردی ایران باید نه بر مبنای امید به تغییر رفتار تل‌آویو، بلکه بر اساس این واقعیت تنظیم شود که اسرائیل، دست‌کم در افق قابل پیش‌بینی، گزینه «جنگ دائمی» را انتخاب کرده است.

ترامپ رسماً پایان تفاهم را اعلام کرد اما مذاکره‌کنندگان ایرانی همچنان در توهّم عملیاتی بودن آن گرفتارند

خنجر ترامپ بر پشتِ تفاهم

گرفته، بلکه با فرار به جلو، ایران را متهم به نقض کرده است. این الگو، ماهیت تاکتیکی توافق را آشکار می‌سازد که بیش از آنکه به کاهش تنش منجر شود، فرصتی برای بازسازی اهرم‌های فشار آمریکا فراهم آورده است.

نزدیک به یک ماه از نهایه شدن تفاهم‌نامه اسلام‌آباد میان ایران و آمریکا و ۲۵ روز از امضای آن می‌گذرد، اما در این مدت تقریباً هیچ روزی بدون نقض مفاد توافق توسط طرف آمریکایی سپری نشده است. واشنگتن نه تنها تعهدات خود را نادیده



محسن فرهمند

روزنامه‌نگار

و زندگی کثیف آمریکایی است، ملت ایران را «پست و کثیف»، «شرور و بیمار» و «سرطان» خواند که باید «از ریشه بیرون کشیده شود». بررسی کارنامه کوتاه این دوره، تصویری متفاوت از ادعای «آتش‌بس» ارائه می‌دهد: حملات متعدد در طی یک ماه گذشته به بیش از ۱۴۰ نقطه در ایران، تداوم تجاوزات اسرائیل به جنوب لبنان، عدم آزادسازی دارایی‌های بلوکه‌شده، عدم تحقق وعده‌های سرمایه‌گذاری چندصد میلیارد دلاری و ادامه تهدیدها علیه مقامات عالی‌رتبه ایران بخشی از این نقض‌های کلیت و جزئیات این تفاهم بود. اعلام پایان تفاهم‌نامه نیز با حملات جدید ارتش آمریکا به جنوب کشور همراه بود که به شهادت بیش از ۱۲ نفر، مجروح شدن حدود ۸۰ نفر و خسارت به زیرساخت‌های ریلی به‌ویژه در آق‌قلا (به عنوان بخشی از کریدورهای شرق-غرب و شمال-جنوب) منجر شد.

در میان این تحولات، دو اقدام جدید آمریکا نقض صریح تفاهم را برجسته می‌کند. نخست، مجوز موقت معافیت تحریمی صادر شده در یکم تیرماه برای معاملات نفت و فرآورده‌های پتروشیمی ایران در روز چهارشنبه ۱۷ تیر باطل شد. این اقدام، نقض مستقیم بند ۱۰ تفاهم‌نامه است که ایالات متحده را متعهد به صدور معافیت‌های لازم برای صادرات نفت خام، محصولات پتروشیمی و خدمات مرتبط (بانکی، بیمه، حمل‌ونقل) می‌کرد. دوم، عدم پرداخت وجوه بلوکه‌شده و عدم عملیاتی شدن صندوق سرمایه‌گذاری ۳۰۰ میلیارد دلاری. بند ۱۱ صراحتاً بانک مرکزی ایران را مرجع تشخیص و انتقال این دارایی‌ها معرفی کرده و تأکید دارد که وجوه برای هرگونه پرداخت به‌ذی‌نفع نهایه تعیین‌شده توسط بانک مرکزی در دسترس خواهد بود.

با این حال، ترامپ آن را مشروط به خرید غله و خوراک دامی از آمریکا کرده است. آخرین نقض آشکار، تحریم‌های جدید شامگاه جمعه توسط دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا بود. چندین شخص و چند صرافی و نهاد به فهرست تحریم‌ها افزوده شدند. این اقدامات، نقض صریح بند ۹ تفاهم‌نامه است که بر عدم اعمال تحریم جدید توسط آمریکا و عدم افزایش حضور نظامی تأکید دارد.

در طی نزدیک به یک ماه از نهایه شدن تفاهم‌نامه اسلام‌آباد، شواهد متعدد حاکی از آن است که توافق ۶۰ روزه میان ایران و آمریکا، بیش از آنکه گامی به سوی ثبات باشد، ابزاری تاکتیکی برای مدیریت بحران‌های کوتاه‌مدت واشنگتن بوده است. دلسوزان و صاحب‌نظران منصف از همان ابتدا این سند را در تأمین منافع ملی و حاکمیت ایران ناکارآمد ارزیابی کرده بودند. تحولات میدانی در این مدت، این نقد را تأیید کرده است. از نخستین روزهای اجرا، تداوم جنگ اسرائیل در لبنان و عدم پایان دخالت در حاکمیت این کشور، نقض ضمنی تعهدات تلقی از سوی دشمن بود.

یکی از مهم‌ترین رخداد‌های هفته اخیر، تلاش مجدد آمریکا برای تثبیت کریدور عمانی به عنوان مسیر اصلی عبور از تنگه هرمز و خنثی کردن حاکمیت ایران بر این آبراه بود. این اقدام آمریکا بیش از هر چیز مبتنی بر این هدف بود که گرچه محاصره دریایی بر علیه ایران بازگشت‌پذیر باقی بماند ولی امکان کنترل و مسدودسازی تنگه هرمز توسط ایران به عنوان مهم‌ترین اهرم ایران برای تبیین دشمنان و تحریم‌کنندگان خنثی و بازگشت ناپذیر شود. این تلاش در بستر مراسم تشییع باشکوه شهید آیت‌الله‌عظمی‌ای (ره) انجام شد و با فرض خویشتنداری ایران، به دنبال خنثی‌سازی نقش حاکمیتی تهران بر این آبراه استراتژیک بود. بر اساس بند ۵ تفاهم‌نامه، ایران ترتیباتی برای عبور ایمن کشتی‌های تجاری بدون هزینه (فقط برای ۶۰ روز) اتخاذ می‌کند و تردد بلافاصله آغاز می‌شود و بر این اساس عبور و مرور باید با هماهنگی ایران صورت می‌گرفت. با این حال، عبور کشتی‌های متخلف از کریدور عمانی با شلیک و واکنش قاطع نیروی دریایی سپاه مواجه شد.

اعلام رسمی پایان تفاهم

در این میان اظهارات اخیر دونالد ترامپ در آنکارا، مبنی بر پایان آتش‌بس و تفاهم و عدم تمایل به تعامل بیشتر با تهران، اعترافی آشکار به ماهیت موقتی و تاکتیکی این توافق است. ترامپ حتی در ادبیاتی خارج از عرف که بیشتر شایسته فرهنگ

سکوت عجیب تیم مذاکره‌کننده ایرانی
نکته اساسی آن است که علی‌رغم این نقض‌های متعدد و اذعان مقامات آمریکایی از جمله جی‌دی ونس به استفاده از توافق صرفاً برای پرکردن ذخایر نفتی و فرار از بحران انرژی و واکنش درخوری از سوی تیم مذاکره‌کننده ایرانی و وزارت امور خارجه مشاهده نمی‌شود. برعکس، برخی گزارش‌های رسانه‌های آمریکایی از زمه‌هایی درباره سازش بیشتر و عقب‌نشینی سخن می‌گویند. ترامپ مدعی شده علی‌رغم پایان یافته تلقی شدن آتش‌بس از سوی آمریکا، ایران درخواست ادامه مذاکرات کرده، در حالی که CBS و باراک اوباما (خبرنگار نزدیک به محور ترامپ-نتانیاو) ادعا می‌کنند مقامات ایرانی در گفت‌وگوهای خصوصی، شلیک به کشتی‌ها را «اشتباه» گروهی تندرو دانسته و خواستار ادامه گفت‌وگو شده‌اند. واشنگتن حتی خواستار بیانیه علنی ایران برای تعهد به عدم شلیک شده است. این ادعاها، اگر نادرست باشند، نیازمند واکنش شفاف و قاطع مقاماتی مانند قالیباف، عراقچی و پزشکیان است در غیر این صورت در صورت صحت چنین ادعاهایی، ملت ایران به وظیفه انقلابی خود عمل خواهند کرد.

در مجموع، تحولات یک‌ماهه نشان می‌دهد توافق ۶۰ روزه نه تنها منافع ملی ایران را تأمین نکرده، بلکه با تداوم فشارها و نقض‌ها، ضرورت بازنگری جدی در رویکرد مذاکراتی و تقویت اهرم‌های بازدارنده را برجسته ساخته است. تداوم این مسیر بدون اصلاح، می‌تواند به تضعیف بیشتر موقعیت ایران در معادلات منطقه‌ای و جهانی منجر شود.

نقض سیستماتیک واشنگتن؛

از تنگه هرمز تا تحریم‌های تازه

تلاش آمریکا برای تثبیت کریدور عمانی و خنثی کردن حاکمیت ایران بر این تنگه با واکنش هوشمندانه نیروی دریایی سپاه مواجه شد. هم‌زمان، حملات به جنوب ایران، لغو معافیت‌های تحریمی، عدم آزادسازی دارایی‌ها و تحریم‌های جدید اشخاص و نهاد‌های ایرانی، نقض صریح تمام بندهای تفاهم اسلام‌آباد را نشان می‌دهد. این رفتارها حاکی از آن است که آمریکا توافق را صرفاً ابزاری برای تأمین ذخایر نفتی و بازسازی قوا تلقی می‌کند و از این رو منافع برای ایران در ادامه عمل به تفاهم متصور نیست.

چشم بازار را کور کردید آقایان!

مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

انتشار اخبار مربوط به سانسور، توقیف یا توقف تولید سریال‌های شبکه نمایش خانگی در ایران، پدیده‌ای فراتر از یک اطلاع‌رسانی ساده اداری است. این اخبار معمولاً با اهداف چندلایه و گاه متضاد از سوی نهادهای ناظر، رسانه‌ها و حتی خود پلتفرم‌ها منتشر می‌شوند که می‌توان آن‌ها را در دو محور اصلی بررسی کرد: نخستین هدف، اقتصاد توجه و جنجال‌آفرینی است. در زیست‌بوم رسانه‌ای امروز، خبر توقیف یا سانسور یک اثر محبوب، خوراک اصلی حاشیه‌ها و کلیک بیت‌هاست. رسانه‌ها و کانال‌های خبری با تیترهای جنجالی درباره خط قرمزها یا توقف ناگهانی، مخاطبان را به سمت خود می‌کشند تا ترافیک، تعامل و دیده شدن خود را افزایش دهند. دومین لایه، بازاریابی وارونه است. گاهی اوقات، خود تهیه‌کنندگان یا پلتفرم‌ها عمدتاً اخبار سانسور را در می‌دهند. هدف، ایجاد حس کنجکاوی و جلب همدلی عمومی است. وقتی مخاطب می‌شنود اثری ممنوع یا سانسور شده، ناخودآگاه تمایل بیشتری به تماشای آن پیدا می‌کند. این حاشیه‌ها در واقع پروموشن رایگانی برای سریال هستند که در نهایت به نفع فروش و دیده شدن اثر تمام می‌شود.

بر همین اساس تقریباً می‌توان گفت به جز سریال «کنکل» که به مشکلات مالی برخورد و ادامه قسمت‌های باقی مانده آن تا مدت‌ها به تعویق افتاد، اغلب سریال‌های پلتفرمی صرفاً به دلایل واهی وارد چرخه سانسور، توقیف و پخش مجدد شدند.

گویا این روند با وجود تکراری بودن همچنان کار می‌کند و انتظار مخاطب برای تماشای سریال را بالا می‌برد. در تازه‌ترین نمونه، سریال کوری که قرار بود اولین قسمتش چندی پیش پخش شود به دلیل نداشتن مجوز ساترا کنداکتور جا ماند. اکنون خبر رسیده که قسمت اول این سریال، درحالی‌که از شنبه پخش می‌شود که هنوز مجوزی از سوی ساترا برایش صادر نشده است.

پس اگر کوری هنوز مجوز ندارد و قرار بر پخش آن است چرا این اتفاق چندی پیش رقم نخورد؟ در نهایت، خبر سانسور سریال‌ها دیگر صرفاً رویدادی فرهنگی نیست؛ بلکه ابزاری رسانه‌ای است. از یک سو برای کنترل بازار و خط‌کشی فرهنگی استفاده می‌شود و از سوی دیگر، به بازی پرسودی برای رسانه‌ها و حتی سازندگان تبدیل شده است که در آن، «ممنوعیت» خود به کالایی برای فروش تبدیل می‌گردد.

مرور وضعیت ابتدای تابستان شبکه نمایش خانگی و تلویزیون؛ خلأیی که رقبای بیرونی از آن بهره می‌برند

تابستانی بدون برگ برنده برای صنعت سرگرمی ایران

تصویری متفاوت را پیش روی مخاطب ایرانی قرار داده است. شبکه نمایش خانگی تنها با چند عنوان محدود از جمله «بیست‌ویک»، «کلاغ» و «بدنام» روی آنتن است و خبر موثقی از مجموعه‌های پرسیر و صدایی مانند «کوری» نیست.

تابستان همواره یکی از مهم‌ترین فصل‌های رقابت در صنعت سرگرمی بوده است؛ فصلی که افزایش اوقات فراغت، تعطیلات و حضور بیشتر مخاطبان در خانه، فرصت مناسبی برای عرضه آثار شاخص فراهم می‌کند. با این حال، آغاز تابستان ۱۴۰۵



سعید مصباح
روزنامه‌نگار

در سوی دیگر نیز تلویزیون نتوانسته با تولیدات تازه، مخاطبان خود را حفظ کند. نتیجه این وضعیت، خلأیی در بازار سرگرمی داخلی است؛ خلأیی که هم‌زمان با فعالیت پررنگ تر شبکه‌های ماهواره‌ای، می‌تواند به تغییر دوباره عادت رسانه‌ای مخاطبان منجر شود.

بررسی وضعیت شبکه نمایش خانگی در روزهای ابتدایی تابستان نشان می‌دهد که برخلاف سال‌های گذشته، نه از نظر تعداد آثار و نه از حیث کیفیت، بازار تولیدات داخلی شرایط امیدوارکننده‌ای ندارد. در حال حاضر تنها سه سریال «بیست‌ویک»، «کلاغ» و «بدنام» در حال پخش هستند؛ آثاری که از میان آن‌ها، تنها «کلاغ» توانسته تا حدودی نظر مخاطبان را جلب کند و دو مجموعه دیگر هنوز نتوانسته‌اند به جریان‌سازان این فصل تبدیل شوند.

در چنین شرایطی، غیبت مجموعه‌هایی که پیش‌تر انتظار پخش آن‌ها می‌رفت، بیش از هر زمان دیگری به چشم می‌آید. «کوری» یکی از همین پروژه‌هاست که هنوز خبری از زمان انتشار آن منتشر نشده و همین مسئله باعث شده سبد محتوایی شبکه نمایش خانگی بیش از گذشته محدود به نظر برسد. نتیجه آن است که مخاطب، برخلاف سال‌های گذشته، انتخاب‌های متنوعی پیش روی خود نمی‌بیند.

نگاهی به ابتدای تابستان ۱۴۰۴ و حتی ۱۴۰۳ نیز نشان می‌دهد که شبکه نمایش خانگی در آن مقاطع با تعداد بیشتری از آثار و رقابتی جدی‌تر وارد فصل تابستان شده بود. هرچند همه آن آثار موفق نبودند، اما تنوع ژانر و تعدد تولیدات باعث

کرده است. او در جدیدترین فعالیت خود، ابعاد حماسی آیین وداع با پیکر رهبر شهید انقلاب و همراهانش را به تصویر می‌کشد. این مستند که روایتگر تشییع ده‌ها میلیونی رهبر شهید انقلاب است، از مصلی تهران آغاز شده و گام‌به‌گام با کاروان عزاداران به قم، نجف، کربلا و مشهد سفر کرده است. تگ‌روستا با نفوذ به لایه‌های پنهان، پشت‌صحنه برگزاری مراسم و نقش رسانه‌ها در همبستگی ملی را کالبدشکافی می‌کند. تمرکز اصلی فیلم بر روایت‌های شخصی و حضور اقشار گوناگون جامعه است که در کنار هم، تصویری بکر از سوگواری عاشقانه و پیوند ناگسستنی مردم در ایران و عراق را ثبت کرده‌اند تا سندی برای ماندگاری این واقعه در حافظه تاریخی کشور باشد.



علی تگ‌روستا، مستندساز نام‌آشنای سینمای ایران که پیش‌تر با آثاری چون «برادرم نادعلی» و «آقا نعمت» نگاه‌ها را به خود جلب کرده بود، این بار دوربینش را برای ثبت یکی از تاریخی‌ترین وقایع تاریخ ایران روشن

وجهی دیگر از آقای اهل هنرما!

محمد قربانی
روزنامه‌نگار

انتشار تصویری از حضور رهبر شهید انقلاب در جمع نوازندگان در دوران ریاست جمهوری، بار دیگر دریچه‌ای تازه به سوی شخصیت عمیق و جامع ایشان گشوده است. این سند تصویری، تأییدی است بر رویکردی عمیق که در آن موسیقی به عنوان هنری در جهت تعالی روح جامعه نگریسته می‌شد.

رهبر شهید در مواجهه با هنر موسیقی، همواره تمایزی قاطع میان آثار فاخر و آثار مبتذل قائل بودند. ایشان موسیقی را هنری مبتنی بر نظم، ذوق و خلاقیت می‌شناختند که ارزش ذاتی‌اش در گروی محتوا، پیام و کارکردش برای رشد معنوی جامعه تعریف می‌شد. بر اساس آموزه‌های ایشان که در کتاب «موسیقی از دیدگاه مقام معظم رهبری» نیز منعکس شده است، هویت موسیقی به جهان‌بینی هنرمند گره خورده؛ به طوری که هرگاه این هنر در مسیر حق و اخلاق قرار گیرد، قادر است بر سرنوشت ملت‌ها اثری عمیق و ماندگار بگذارد.

با این‌که موسیقی همیشه از پرمناقشه‌ترین بحث‌های میان فقها بوده است، اظهارات کارشناسان موسیقی پس از شهادت رهبر انقلاب نشان می‌دهد که ایشان نظری پیشرو درباره موسیقی داشته‌اند. برای مثال رضا مهدوی، پژوهشگر و نوازنده سنتور، به تجربه شگفت‌انگیز هنرمندان از دانش تخصصی رهبر شهید در نشست‌های کارشناسی اشاره کرده است.

مهدوی گفته است آقا با تسلط بر دستگاه‌های موسیقی ایرانی و آثار کلاسیک جهان، نکاتی فنی و دقیق مطرح می‌کردند که هنرمندان را به حیرت وامی‌داشت. محمد گلریز، خواننده پیشکسوت نیز با تأکید بر قدرت نفوذ هنر در نگاه ایشان، گواهی می‌دهد که حمایت از اجرای زنده ارکسترو ارج نهادن به شعر و محتوای غنی، اولویت ایشان بوده است.

حمیدرضا ولیان، کارشناس رسانه، این نگاه عالمانه را نشانه جامعیت شخصیتی رهبر شهید می‌داند. ایشان با اشراف بر ردیف‌های موسیقی اصیل ایرانی، نغمه‌های آیینی و هنر قرائت، رویکردی فراتر از یک مخاطب عادی داشتند. این گزارش و روایت‌های مستند، به خوبی تبیین می‌کند که رهبر شهید موسیقی را پدیده‌ای اثرگذار می‌دیدند که معیار قضاوتش، تأثیرسازنده آن بر فرهنگ و جامعه است. ایشان همواره بر ضرورت استفاده از این ابزار هنری برای ترویج فضایل اخلاقی تأکید داشتند و هنرمتعهد را بازوی توانمندی در جهت تقویت همبستگی ملی و اعتلای فرهنگی جامعه تلقی می‌کردند.

مستند وداع با رهبر انقلاب ساخته می‌شود